

همه چیز درباره عید نوروز

تاریخچه عید نوروز

نوروز، جشن شکوهمند ایران باستان، گویای پیشینه تابناک میهن ما و جلوه ای مهم از فرهنگ غنی مردم ایران است.

نوروز که قرن های دراز است بر همه جشن های جهان فخر می فرودد، از آن روست که یک قرارداد مصنوعی اجتماعی و یا یک جشن تحمیلی سیاسی نیست. جشن جهان است و روز شادمانی زمین، آسمان، آفتاب، جوش شگفتنی ها و شور زدن ها و سرشار از هیجان هر آغاز. نوروز گذشت زمان و دگرگونی های دوران را شاهد بوده و پیوسته با آمد و رفت الهام بخش خود پایان فصلی دیگر را به ساکنان این سرزمین کهنسال اعلام کرده است. نوروز، تجدید خاطره بزرگی است. خاطره خویشاوندی انسان با طبیعت. گذشت سال های دراز نه تنها از شکوهمندی سنت های نوروزی نکاسته بلکه روشننگر این واقعیت بوده که بزرگ داشت نوروز و گرمی داشتن سنت های آن با احساس و اندیشه ایرانی، پیوند ناگسستنی یافته است...

ابوریحان بیرونی در (التفهیم) در پاسخ به این سوال که: نوروز چیست؟ می نویسد: «نخستین روز است از فروردین ماه و از این جهت روز نو، نام کردند زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز، همه جشن هاست و ششم فروردین ماه نوروز را بزرگ دارند، زیرا که خسروان بدان پنج روز حق های خشم و گروهان بگزاردندی و حاجت ها روا کردند، آنگاه بدین روز ششم خلوت کردند، خاصگان را و اعتقاد پارسایان اندر نوروز نخستین آن است که اول روزی است از زمانه و بدو فلک آغازید گشتن.»

نوروز نامه منسوب به خیام آمده است که: «سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون دانستند که آفتاب را دو دور بوده یکی آن سیصد و شست و پنج روز و ربعی از به اول دقیقه حمل باز آید، به همان وقت هر روز که رفته بود بدین دقیقه نتواند آمدن چه هر سال از مدت همی کم شود، چون جمشید این دو را دریافت انوروز نام نهاد و جشن آیین آورد. پس از آن پادشاهان دیگر مردمان بدو اقتدار کردند.»

ابوریحان در آثار الباقیه، می نویسد: «برخی از علمای ایران می گویند: سبب این که این روز را نوروز می نامند این است که در ایام تهمورث صائب آشکار شدند و چون جمشید به پادشاهی رسید دین خود را تجدید کرد و این کار خیلی بزرگ به نظر آمد و آن روز را که روز تازه های بود، جمشید عید گرفت.»

نوروز جشن کهن ایرانی

نوروز یکی از کهن ترین جشن های به جا مانده از دوران باستان است. خاستگاه نوروز در ایران باستان است و هنوز مردم مناطق مختلف فلات ایران نوروز را جشن می گیرند. زمان برگزاری نوروز، در آغاز فصل بهار است. نوروز در ایران و افغانستان آغاز سال نو محسوب می شود و در برخی دیگر از کشورها تعطیل رسمی است.

بنا به پیشنهاد جمهوری آذربایجان، مجمع عمومی سازمان ملل در نشست ۴ اسفند ۱۳۸۸ (۲۳ فوریه ۲۰۱۰) ۲۱ ماه مارس را به عنوان روز جهانی عید نوروز، با ریشه ایرانی به رسمیت شناخت و آن را در تقویم خود جای داد. در متن به تصویب رسیده در مجمع عمومی سازمان ملل، نوروز، جشنی با ریشه ایرانی که قدمتی بیش از ۳ هزار سال دارد و امروزه بیش از ۳۰۰ میلیون نفر آن را جشن می گیرند توصیف شده است.

پیش از آن در تاریخ ۸ مهر ۱۳۸۸ خورشیدی، نوروز توسط سازمان علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد، به عنوان میراث غیر ملموس جهانی، به ثبت جهانی رسیده بود. در ۷ فروردین ۱۳۸۹ نخستین دوره جشن جهانی نوروز در تهران برگزار شد و این شهر به عنوان «دبیرخانه نوروز» شناخته شد.

زمان نوروز

جشن نوروز از لحظه اعتدال بهاری آغاز می شود. در دانش ستاره شناسی، اعتدال بهاری یا اعتدال ربیعی در نیم کره شمالی زمین به لحظه ای گفته می شود که خورشید از صفحه استوای زمین می گذرد و به سوی شمال آسمان می رود. این لحظه، لحظه اول برج حمل نامیده می شود، و در تقویم هجری خورشیدی با نخستین روز (هرمز روز یا اورمزد روز) از ماه فروردین برابر است. نوروز در تقویم میلادی با ۲۱ یا ۲۲ مارس مطابقت دارد.

در کشورهایمانند ایران و افغانستان که تقویم هجری شمسی به کار برده می‌شود، نوروز، روز آغاز سال نو است. اما در کشورهای آسیای میانه و قفقاز، تقویم میلادی متداول است و نوروز به عنوان آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود و روز آغاز سال محسوب نمی‌شود.

واژه نوروز

واژه نوروز یک اسم مرکب است که از ترکیب دو واژه فارسی «نو» و «روز» به وجود آمده است. این نام در دو معنی به کار می‌رود:

(۱) نوروز عام: روز آغاز اعتدال بهاری و آغاز سال نو

(۲) نوروز خاص: روز ششم فروردین با نام «روز خرداد»

ایرانیان باستان از نوروز به عنوان ناوا سردا یعنی سال نو یاد می‌کردند. مردمان ایرانی آسیای میانه نیز در زمان سغدیان و خوارزمشاهیان، نوروز را نوسارد و نوسارجی به معنای سال نو می‌نامیدند.

واژه نوروز در الفبای لاتین

در متن‌های گوناگون لاتین، بخش نخست واژه نوروز با املای No، Now، Nov و Naw و بخش دوم آن با املای Rooz، Ruz و Rouz نوشته شده است. در برخی از مواقع این دو بخش پشت سر هم و در برخی با فاصله نوشته می‌شوند. اما به باور دکتر احسان یارشاطر بنیان‌گذار دانشنامه ایرانیکا، نگارش این واژه در الفبای لاتین با توجه به قواعد آواشناسی، به شکل NOWRUZ توصیه می‌شود. این شکل از املای واژه نوروز، هم‌اکنون در نوشته‌های یونسکو و بسیاری از متون سیاسی به کار می‌رود.

پیشینه نوروز

منشاء و زمان پیدایش نوروز، به درستی معلوم نیست. در برخی از متن‌های کهن ایران از جمله شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، جمشید و در برخی دیگر از متن‌ها، کیومرث به عنوان پایه‌گذار نوروز معرفی شده است. پدیدآوری نوروز در شاهنامه، بدین گونه روایت شده است که جمشید در حال گذشتن از آذربایجان، دستور داد تا در آنجا برای او تختی بگذارند و خودش با تاجی زرین بر روی تخت نشست. با رسیدن نور خورشید به تاج زرین او، جهان نورانی شد و مردم شادمانی کردند و آن روز را روز نو نامیدند.

برخی از روایت‌های تاریخی، آغاز نوروز را به بابلیان نسبت می‌دهد. بر طبق این روایت‌ها، رواج نوروز در ایران به ۵۳۸ سال قبل از میلاد یعنی زمان حمله کوروش بزرگ به بابل بازمی‌گردد. همچنین در برخی از روایت‌ها، از زرتشت به عنوان بنیان‌گذار نوروز نام برده شده است. اما در اوستا (دست کم در گاتها) نامی از نوروز برده نشده است.

نوروز در زمان سلسله هخامنشیان

نگاره مراسم پیشکش هدایا به پادشاه ایران در تخت جمشید. برخی از پژوهشگران، این مراسم را به نوروز مربوط می‌دانند. کوروش دوم بنیان‌گذار هخامنشیان، نوروز را در سال ۵۳۸ قبل از میلاد، جشن ملی اعلام کرد. وی در این روز برنامه‌هایی برای ترفیع سربازان، پاکسازی مکان‌های همگانی و خانه‌های شخصی و بخشش محکومان اجرا می‌نمود. این آیین‌ها در زمان دیگر پادشاهان هخامنشی نیز برگزار می‌شده است. در زمان داریوش یکم، مراسم نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد. البته در سنگ‌نوشته‌های به‌جا مانده از دوران هخامنشیان، به‌طور مستقیم اشاره‌ای به برگزاری نوروز نشده است. اما بررسی‌ها بر روی این سنگ‌نوشته‌ها نشان می‌دهد که مردم در دوران هخامنشیان با جشن‌های نوروز آشنا بوده‌اند، و هخامنشیان نوروز را با شکوه و بزرگی جشن می‌گرفته‌اند. شواهد نشان می‌دهد داریوش اول هخامنشی، به مناسبت نوروز در سال ۴۱۶ قبل از میلاد سکه‌ای از جنس طلا ضرب نمود که در یک سوی آن سربازی در حال تیراندازی نشان داده شده است. در دوران هخامنشی، جشن نوروز در بازه‌ای زمانی میان ۲۱ اسفند تا ۱۹ اردیبهشت برگزار می‌شده است.

نگاره مراسم پیشکش هدایا به پادشاه ایران در تخت جمشید. برخی از پژوهشگران، این مراسم را به نوروز مربوط می‌دانند.

نوروز در زمان اشکانیان و ساسانیان

در زمان اشکانیان و ساسانیان نیز نوروز گرامی داشته می‌شد. در این دوران، جشن‌های متعددی در طول یک سال برگزار می‌شد که مهمترین آنها نوروز و مهرگان بوده است. برگزاری جشن نوروز در دوران ساسانیان چند روز (دست کم شش روز) طول می‌کشید و به دو دوره نوروز کوچک و نوروز بزرگ تقسیم می‌شد. نوروز کوچک یا نوروز عامه پنج روز بود و از یکم تا پنجم فروردین گرامی داشته می‌شد و روز ششم فروردین (خردادروز)، جشن نوروز بزرگ یا نوروز خاصه برپا می‌شد. در هر یک از روزهای نوروز عامه، طبقه‌ای از طبقات مردم (دهقانان، روحانیان، سپاهیان، پیشه‌وران و اشراف) به دیدار شاه می‌آمدند و شاه به سخنان آنها گوش می‌داد و برای حل مشکلات آنها دستور صادر می‌کرد. در روز ششم، شاه حق طبقات گوناگون مردم را ادا کرده بود و در این روز، تنها نزدیکان شاه به حضور وی می‌آمدند.

شواهدی وجود دارد که در دوران ساسانی سال‌های کیبسه رعایت نمی‌شده است. بنابراین نوروز هر چهار سال، یک روز از موعد اصلی خود (آغاز برج حمل) عقب می‌ماند و در نتیجه زمان نوروز در این دوران همواره ثابت نبوده و در فصل‌های گوناگون سال جاری بوده است. اردشیر بابکان، بنیان‌گذار سلسله ساسانیان، در سال ۲۳۰ میلادی از دولت روم که از وی شکست خورده بود، خواست که نوروز را در این کشور به رسمیت بشناسند. این درخواست مورد پذیرش سنای روم قرار گرفت و نوروز در قلمرو روم به Lupercal معروف شد.

در دوران ساسانیان، ۲۵ روز پیش از آغاز بهار، در دوازده ستون که از خشت خام برپا می‌کردند، انواع حبوبات و غلات (برنج، گندم، جو، نخود، ارزن، و لوبیا) را می‌کاشتند و تا روز شانزدهم فروردین آنها را جمع نمی‌کردند. هر کدام از این گیاهان که بارورتر شود، در آن سال محصول بهتری خواهد داد. در این دوران همچنین متداول بود که در بامداد نوروز، مردم به یکدیگر آب بپاشند. از زمان هرمز اول مرسوم شد که مردم در شب نوروز آتش روشن نمایند. همچنین از زمان هرمز دوم، رسم دادن سکه در نوروز به‌عنوان عیدی متداول شد.

نوروز پس از اسلام

نقشی از جشن چهارشنبه سوری در عمارت چهل ستوناز برگزاری آیین‌های نوروز در زمان امویان نشانه‌ای در دست نیست و در زمان عباسیان نیز به نظر می‌رسد که خلفا گاهی برای پذیرش هدایای مردمی، از نوروز استقبال می‌کرده‌اند. با روی کار آمدن سلسله‌های سامانیان و آل بویه، جشن نوروز با گستردگی بیشتری برگزار شد.

در دوران سلجوقیان، به دستور جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی تعدادی از ستاره شناسان ایرانی از جمله خیام برای بهترسازی گاهشماری ایرانی گرد هم آمدند. این گروه، نوروز را در یکم بهار قرار دادند و جایگاه آن را ثابت نمودند. بر اساس این گاهشماری که به تقویم جلالی معروف شد، برای ثابت ماندن نوروز در آغاز بهار، مقرر شد که هر چهار سال یک‌بار، تعداد روزهای سال را (به جای ۳۶۵ روز)، برابر با ۳۶۶ روز در نظر بگیرند. طبق این قاعده، می‌بایست پس از انجام این کار در ۷ دوره، در دوره هشتم، به جای سال چهارم، بر سال پنجم یک روز بیفزایند. این گاهشماری از سال ۳۹۲ هجری آغاز شد.

نوروز در دوران صفویان نیز برگزار می‌شد. در سال ۱۵۹۷ میلادی، شاه عباس صفوی مراسم نوروز را در عمارت نقش جهان اصفهان برگزار نمود و این شهر را پایتخت همیشگی ایران اعلام نمود.

روایت های اسلامی درباره نوروز

آورده اند که در زمان حضرت رسول (ص) در نوروز جامی سیمین که پر از حلوا بود برای پیغمبر هدیه آوردند و آن حضرت پرسید که این چیست؟ گفتند که امروز نوروز است. پرسید که نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان. فرمود: آری، در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره هزاران مردمی بودند که از ترس مرگ ترک دیار کرده و سر به بیابان نهادند و خداوند به آنان گفت بمیرید و مردند. سپس آنان را زنده کرد و ابرها را فرمود که به آنان بیارند از این روست که پاشیدن آب در این روز رسم شده. سپس از آن حلوا تناول کرد و جام را میان اصحاب خود قسمت کرده و گفت کاش هر روزی بر ما نوروز بود.

نیز حدیثی است از معلی بن خنیس که گفت: روز نوروز بر حضرت جعفر بن محمد صادق در آمدم گفت آیا این روز را می شناسی؟ گفتم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می دارند و به یکدیگر هدیه می دهند. پس حضرت صادق گفت سوگند به خداوند که این بزرگداشت نوروز به علت امری کهن است که برای بازگو می کنم تا آن را دریابی. پس گفت: ای معلی، روز نوروز روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرستند و او را شریک و انبازی نگیرند و به پیامبران و راهنمایان او بگروند. همان روزی است که آفتاب در آن طلوع کرد و بادها وزیدن گرفت و زمین در آن شکوفا و درخشان شد. همان روزی است که کشتی نوح در کوه آرام گرفت. همان روزی است که پیامبر خدا، امیر المومنین علی (ع) را بر دوش خود گرفت تا بت های قریش را از کعبه به زیر افکند. چنان

که ابراهیم نیز این کار را کرد. همان روزی است که خداوند به یاران خود فرمود تا با علی (ع) به عنوان امیر المومنین بیعت کنند. همان روزی است که قائم آل محمد (ص) و اولیای امر در آن ظهور می کنند و همان روزی است که قائم بر دجال پیروز می شود و او را در کنار کوفه بر دار می کشد و هیچ نوروژی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرجی نباشیم، زیرا نوروژ از روزهای ما و شیعیان ماست.

نوروژ در دوران معاصر

نوروژ به عنوان یک میراث فرهنگی در دوران معاصر همواره مورد توجه مردم قرار داشته و هر ساله برگزار می شود. البته برگزاری جشن نوروژ به صورت آشکار در برخی از کشورهای توسط برخی حکومت ها برای مدت زمانی ممنوع بوده است. حکومت شوروی برگزاری جشن نوروژ را در برخی از کشورهای آسیای میانه مانند ترکمنستان، قرقیزستان و تاجیکستان ممنوع کرده بود و این ممنوعیت تا زمان میخائیل گورباچف ادامه داشت. با این وجود، مردم این مناطق نوروژ را به گونه پنهانی و یا در روستاها جشن می گرفته اند. همچنین برخی از مردم این مناطق برای جلب موافقت مقامات محلی نام دیگری بر روی نوروژ می گذاشتند؛ به طور مثال در تاجیکستان، مردم با اتلاق جشن لاله یا جشن ۸ مارس سعی می کردند که آیین های نوروژ را بی مخالفت مقامات دولتی به جای آورند. همچنین در افغانستان، در دوران حکومت طالبان، برگزاری جشن نوروژ ممنوع بود و این حکومت تنها تقویم هجری قمری را به رسمیت می شناخت.

نوروژ در اشعار فارسی

گویندگان ایرانی از دیرباز تاکنون در وصف نوروژ و جشن فروردین که همراه مواهب گرانبهای طبیعت و هنگام تجدید عهد نشاط و شادمانی است، داد سخن داده اند و ما در ذیل به برخی از لطایف اشعار فارسی در این موضوع اشارت می کنیم:

فرخی ترجیع بند مشهوری در وصف نوروژ دارد که بند اول آن چنین است:

ز باغ ای باغبان ما را همی بوی بهار آید کلید باغ ما را ده که فردامان به کار آید
کلید باغ را فردا هزاران خواستار آید تو لختی صبر کن چندان که قمری بر چنار آید
چو اندر باغ تو بلبل به دیدار بهار آید ترا مهمان ناخوانده به روزی صد هزار آید
کنون گر گلبنی را پنج شش گل در شمار آید چنان دانی که هرکس را همی زو بوی یار آید
بهار امسال پندار همی خوشتر ز پار آید وزین خوشتر شود فردا که خسرو از شکار آید
بدین شایستگی جشنی بدین بایستگی روزی ملک را در جهان هر روز جشنی داد و نوروژی
منوچهری مسمطی در نوروژ ساخته که بند اول آن این است:

آمد نوروژ هم از بامداد آمدنش فرخ و فرخنده باد
باز جهان خرم و خوب ایستاد مرز زمستان و بهاران بزاد
ز ابر سیه روی سمن بوی داد گیتی گردید چو دارالقرار

هم او در مسمط دیگر گفته:

نوروژ بزرگم بزن ای مطرب نوروژ زیرا که بود نوبت نوروژ به نوروژ
برزن غزلی نغز و دل انگیز و دلفروز ورنه نیست ترا بشنو از مرغ نوآموز
کاین فاخته زان کوز و دگر فاخته زانکوز بر قافیه خوب همی خواند اشعار

بوالفرج رونی گوید:

جشن فرخنده فروردین است روز بازار گل و نسرين است
آب چون آتش عود افروزست باد چون خاک عبیر آگین است
باغ پیراسته گلزار بهشت گلبن آراسته حورالعین است

مسعود سعد سلمان از عید مزبور چنین یاد کند:

رسید عید و من از روی حور دلبر دور چگونه باشم بی روی آن بهشتی حور
رسید عید همایون شها به خدمت تو نهاده پیش تو هدیه نشاط لهو و سرور
برسم عید شها باده مروق نوش به لحن بریط و چنگ و چغانه و طنبور

جمال‌الدین عبدالرزاق گفته:

اینک اینک نوبهار آورد بیرون لشکری هریکی چون نوعروسی در دگرگون زیوری
گر تماشا می‌کنی برخیز کاندر باغ هست با چون مشاطه‌ای و باغ چون لعبت گری
عرض لشکر می‌دهد نوروز و ابرش عارض است وز گل و نرگس مراد را چون ستاره لشکری
حافظ در غزلی گفته:

ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی از این باد ار مدد خواهی چراغ دل برافروزی
چو گل گر خرده‌ای داری خدا را صرف عشرت کن که قارون را غلط‌ها داد سودای زراندوزی
ز جام گل دگر بلبل چنان مست می‌لعلست که زد بر چرخ فیروزه صغیر تخت فیروزی
به صحرا رو که از دامن غبار غم بیفشانی به گلزار آی کز بلبل غزل گفتن بیاموزی
هاتف در قصیده‌ای گوید:

نسیم صبح عنبر بیز شد بر توده غیرا زمین سبز نسرين خیز شد چون گنبد خضرا
ز فیض ابر آزادی زمین مرده شده زنده ز لطف باد نوروزی جهان پیر شد برنا
بگرد سرو گرم پرفشانی قمری نالان به پای گل به کار جان سپاری بلبل شیدا...
همایون روز نوروز است امروز و بیفروزی بر اورنگ خلافت کرده شاه لافتی ماوی
قآنی در قصیده‌ای به وصف نخستین روز بهار گوید:

رساند باد صبا مژده بهار امروز ز توبه توبه نمودم هزار بار امروز
هوا بساط زمرد فکند در صحرا بیا که وقت نشاطست و روز کار امروز
سحاب بر سر اطفال بوستان بارد به جای قطره همی در شاهوار امروز
رسد به گوش دل این مژده‌ام ز هاتف غیب که گشت شیر خداوند شهریار امروز

جغرافیای نوروز

منطقه‌ای که در آن جشن نوروز برگزار می‌شود، امروزه شامل چند کشور می‌شود و همچنان در این کشورها جشن گرفته می‌شود. برخی آیین‌های نوروز در این کشورها با هم متفاوت‌اند. مثلاً در افغانستان سفره هفت‌میوه می‌چینند؛ اما در ایران سفره هفت سین می‌اندازند.

جغرافیای نوروز با نام نوروز یا مشابه آن، سراسر خاورمیانه، بالکان، قزاقستان، تاتارستان، در آسیای میانه چین شرقی (ترکستان چین)، سودان، زنگبار، در آسیای کوچک سراسر قفقاز تا آستراخان و نیز آمریکای شمالی، هندوستان، پاکستان، بنگلادش، بوتان، نپال و تبت را شامل می‌شود. همچنین کشورهای مصر و چین جزو سرزمین‌هایی نیستند که در آنها نوروز جشن گرفته می‌شود، اما امروزه جشن‌هایی مشابه جشن نوروز در این کشورها برگزار می‌شود.

در تاریخ ۳۰ مارس ۲۰۰۹ (۱۰ فروردین ۱۳۸۸)، پارلمان فدرال کانادا، اولین روز بهار هر سال را به عنوان نوروز (Nowruz Day)، عید ملی ایرانیان و بسیاری اقوام دیگر نامگذاری کرد.

در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد با تصویب یک قطعنامه در مقر سازمان در نیویورک، عید نوروز را به عنوان روز بین‌المللی نوروز و فرهنگ صلح در جهان به رسمیت شناخت.

کشورهایی که نوروز را جشن می‌گیرند

ایران • افغانستان • تاجیکستان • ترکمنستان • عراق • ترکیه • سوریه • لبنان • جمهوری آذربایجان • ازبکستان • قرقیزستان • قزاقستان • پاکستان

کشورهایی که جشنی مشابه نوروز دارند

ارمنستان • مصر • چین • زنگبار

آیین‌های مرتبط با جشن نوروز

خانه‌تکانی

خانه‌تکانی یکی از آیین‌های نوروزی است که مردم بیشتر مناطقی که نوروز را جشن می‌گیرند به آن پایبندند. در این آیین، تمام خانه و وسایل آن در آستانه نوروز گردگیری، شستشو و تمیز می‌شوند. این آیین در کشورهای مختلف از جمله ایران، تاجیکستان و افغانستان برگزار می‌شود.

آتش‌افروزی

رسم افروختن آتش، از زمان‌های کهن در مناطق نوروز متداول شده است. در ایران، جمهوری آذربایجان و بخش‌هایی از افغانستان، این رسم به صورت روشن کردن آتش در شب آخرین چهارشنبه سال متداول است. این مراسم چهارشنبه‌سوری نام دارد. پریدن از روی آتش در ایام نوروز در ترکمنستان نیز رایج است. همچنین رسم افروختن آتش در بامداد نوروز بر پشت بام‌ها در میان برخی از زرتشتیان (از جمله در برخی از روستاهای یزد در ایران) مرسوم است. در سال‌های نه چندان دور مردم به تپه‌ها و دشت‌های اطراف رفته و با جمع کردن بوته‌های خار آن را به محله خود آورده و در غروب آفتاب هفت کپه بوته کوچک درست می‌کردند و ظرف چند دقیقه همه همسایه‌ها از روی آن می‌پریدند.

سفره‌های نوروزی

سفره هفت سین از سفره‌های نوروزی است که در ایران، جمهوری آذربایجان و برخی از نقاط افغانستان رایج است.

سفره‌های نوروزی یکی از آیین‌های مشترک در مراسم نوروز در بین مردمی است که نوروز را جشن می‌گیرند. در بسیاری از نقاط ایران، جمهوری آذربایجان و برخی از نقاط افغانستان، سفره هفت سین پهن می‌شود. در این سفره هفت چیز قرار می‌گیرد که با حرف سین آغاز شده باشد؛ مثل سرکه، سنجد، سمنو، سیب و... پهن کرد سفره هفت سین در ایران آداب و رسوم خاصی دارد. روی سفره آینه می‌گذارند که نشانه روشنایی، شمع که نشانه نورو درخشش، یک کاسه آب که نشانه پاکی می‌باشد. برای زیبایی سفره از سنبل استفاده می‌کنند و این جزء سین‌های هفت سین به حساب نمی‌آید. برای تزئین سفره از تخم مرغ رنگ شده استفاده می‌شود.

بعد از ورود ماهی قرمز از چین به ایران از این ماهی‌های کوچک جهت زیبایی سفره هفت سین استفاده می‌شود همچنین بعد از ورود اسلام به ایران کتاب قرآن نیز بر روی سفره قرار داده می‌شود. تمامی هفت سینی که چیده می‌شود یک معنی خاص را نیز به همراه دارند. مثلاً سیب نماد زیبایی و تندرستی است؛ سنجد به روایتی نماد عشق و محبت است؛ سبزه سرسبزی زندگی؛ سمنو برکت؛ سکه رزق و روزی؛ و سیر سمبل شفا و سلامتی است. در کابل و شهرهای شمالی افغانستان، سفره هفت میوه متداول است. در این سفره، هفت میوه قرار می‌گیرد، از جمله؛ کشمش سبز و سرخ، چهار مغز، بادام، پسته، زردآلو و سنجد. چیدن سفره‌ای مشابه با استفاده از میوه خشک شده، در بین شیعیان پاکستان هم مرسوم است.

علاوه بر این، سفره هفت سین در میان زرتشتیان، و سفره هفت میم در برخی نقاط واقع در استان فارس در ایران متداول است. در جمهوری آذربایجان نیز بدون توجه به عدد هفت، بر روی سفره‌های نوروزی خود، آجیل قرار می‌دهند.

غذاهای نوروزی

یکی از متداول‌ترین غذاهایی که به مناسبت نوروز پخته می‌شود، سمنو (سمنک، سومنک، سوملک، سمنی، سمنه) است. این غذا با استفاده از جوانه گندم تهیه می‌شود. در بیشتر کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا، این غذا طبخ می‌شود. در برخی از کشورهای آسیای میانه، پختن این غذا با آیین‌های خاصی همراه است. زنان و دختران در مناطق مختلف ایران، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان سمنو را به صورت دسته‌جمعی و گاه در طول شب می‌پزند و در هنگام پختن آن سرودهای مخصوصی می‌خوانند.

پختن غذاهای دیگر نیز در نوروز مرسوم است. به‌طور مثال در بخش‌هایی از ایران؛ سبزی پلو با ماهی، در ترکمنستان؛ نوروزیامه، در قزاقستان؛ اویقی آش، در بخارا؛ انواع سمبوسه پخته می‌شود. به‌طور کلی پختن غذاهای نوروزی در هر منطقه‌ای که نوروز جشن گرفته می‌شود مرسوم است و هر منطقه‌ای غذاها و شیرینی‌های مخصوص به خود را دارد.

دید و بازدید نوروزی

دید و بازدید عید یا عید دیدنی یکی از سنت‌های نوروزی است که در بیشتر کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا، متداول است. در برخی از مناطق، یاد کردن از گذشتگان و حاضر شدن بر مزار آنان در نوروز نیز رایج است.

سبزه بدر یا طبیعت گردی

مردم ایران روز سیزدهم فروردین، به مکان‌های طبیعی مانند پارک‌ها، باغ‌ها، جنگل‌ها و ماطق خارج از شهر می‌روند. این مراسم سبزه‌بدر نام دارد. از کارهای رایج در این جشن، گره زدن سبزه و گفتن دروغ سبزه است. مراسم سبزه‌بدر در مناطق غربی افغانستان از جمله شهر هرات نیز برگزار می‌شود. با وجودی که روز سیزدهم فروردین در کشور افغانستان جزو تعطیلات رسمی نیست، اما مردم این مناطق برای گردش در طبیعت، عملاً کسب و کار خود را تعطیل می‌کنند. مردم این منطقه همچنین اولین چهارشنبه سال را نیز با گردش در طبیعت سپری می‌کنند. علاوه بر این، ساکنان کابل در افغانستان، در طول دو هفته اول سال برای گردش به همراه خانواده به مناطقی که در آنها گل ارغوان می‌روید، می‌روند.

یکی دیگر از آیین‌های نوروز که در آسیای میانه و کشور تاجیکستان مرسوم است، مراسم گل‌گردانی و بلبل‌خوانی است. گل‌گردان‌ها از دره و تپه و دامنه کوه‌ها، گل چیده و اهل دهستان خود را از پایان یافتن زمستان و فرا رسیدن عروس سال و آغاز کشت و کار بهاری و آمدن نوروز مزده می‌دهند.

جشن جهانی نوروز

در ۷ فروردین ۱۳۸۹ نخستین دوره جشن جهانی نوروز در تهران برگزار شد و این شهر به عنوان «دبیرخانه نوروز» شناخته شد. در این جشن، سران کشورهای آسیای میانه و جنوب آسیا که نوروز را جشن می‌گیرند گرد هم می‌آیند و این آیین باستانی را گرامی می‌دارند. هر ساله یکی از این کشورها، میزبان جشن جهانی نوروز است.